

آینده مرجعیت

به قلم مهدی خلجی (/fa/experts/mhdy-khljy-0/)

۳ آوریل ۲۰۱۲

همچنین دست‌یافتنی به

(English (/policy-analysis/future-marjaya

درباره نویسنده



مهدی خلجی (/fa/experts/mhdy-khljy-0/)

مهدی خلجی، عضو ارشد و هموند پژوهشی خانواده لیبتسکی در انستیتو واشنگتن پژوهشگر تشیع، فلسفه و کارشناس سیاست ایران



مقاله‌ها و دیدگاه‌ها

مرجعیت که شکل فعلی رهبری مذهبی بر جوامع شیعه است در دهه ۱۸۳۰ میلادی هنگامی بنیان گذاشته شد که محمد حسن نجفی در شهر نجف عراق اولین مرجع فراملی شیعیان شد. نجفی یک شبکه جهانی از پیروان ایجاد کرد که از طریق آن وجوهات و درآمدهای موقوفات دینی را دریافت می‌کرد و نمایندگانی در شهرهای شیعی در کشورهای مختلف از عراق تا هند داشت.

در قرن شانزدهم مجتهدین شیعه نظریه جدیدی تدوین کردند که رابطه میان رهبر مذهبی شیعه با پیروان آن را توضیح می‌داد و بر مبنای آن هر مؤمنی باید یا خود به بالاترین سطح اجتهاد برسد و یا آن‌که از فرد زنده‌ای که به چنین درجه‌ای رسیده باشد «تقلید» کند. نظریه «تقلید» با یک نظریه مهم دیگر در مذهب شیعه پیوند یافت که به فقهای شیعه اجازه می‌داد به نمایندگی از دوازدهمین امام معصوم شیعیان که در غیبت است وجوهات دینی دریافت کنند. پیروان شیعیان دوازده امامی باور دارند که این امام غایب در آخرالزمان ظهور خواهد کرد و حکومت عادلانه‌ای در سراسر جهان برپا خواهد ساخت. پس از به میان آمدن مرجعیت بود که شکل جدیدی از رهبری دینی شیعه به وجود آمد که به سلطنت مشروعیت می‌بخشید و از سوی آن محافظت می‌شد اما از سلطنت استقلال مالی داشت.

از آن زمان به بعد مراجع بلندپایه‌ترین مقام دینی در تشیع بوده‌اند و جمع بزرگی از شیعیان عمدتاً در مسائل فقهی از آن‌ها پیروی می‌کنند. در اسلام کلاسیک هیچ توجیه الهیاتی برای وجود یک صنف روحانی وجود ندارد اما دستگاه روحانیت امروز نهاد اصلی دینی در دنیای اسلام و به ویژه در میان شیعیان است. چنان‌که محمد ارکون از محققان اخیر دوره مدرن اسلام می‌گفت: «اسلام از منظر الهیاتی پروتستان است و از دید سیاسی کاتولیک». در مقایسه با نظام پاپی و روحانیت کاتولیک مرجعیت شیعه نهادی نوپاست که حدود ۲۰۰ سال پیش به وجود آمده است. تفاوت دیگر مرجعیت و نظام پاپ کاتولیک این است که نیازی نیست مرجعیت تنها در انحصار یک مرجع تقلید واحد باشد. اما مهمترین تفاوت این دو در این نکته است که ولایت و اتوریته مرجع تقلید برخلاف پاپ شخص‌محور است و تشکیلات ندارد.

پیش از سال‌های ۱۸۳۰ میلادی رهبری شیعی یکسره محلی بود. هر منطقه فقهای داشت که مردم از آن‌ها تقلید می‌کردند و وجوهات دینی خود را به آن‌ها می‌پرداختند و از آن‌ها توصیه‌های فقهی و مذهبی دریافت می‌کردند. دنیای مدرن بخصوص مخابرات و حمل و نقل جدید رهبری محلی در تشیع را به یک نهاد فراملی تبدیل کرد.

قرن بیست و یکم اما شاهد شکل‌گیری ساختاری جدید از رهبری دینی در جوامع شیعی خواهد بود که نه محلی است و نه فراملی.

ظهور جمهوری اسلامی ایران و درهم‌تنیدگی ولایت دینی و سیاسی در ایران نقطه عطفی اساسی در مسئله رهبری مذهبی شیعی به حساب می‌آید. اما غیاب آیت‌الله علی سیستانی (متولد ۴ اوت ۱۹۳۰) و آیت‌الله علی خامنه‌ای (متولد ۱۶ جولای ۱۹۳۹) از صحنه می‌تواند آغاز یک دوران جدید به حساب آید.

سیاست مرجعیت در زمانه مدرن

از لحاظ نظری، فقه شیعه کار فقیه را صدور فتوا می‌داند، اما تعیین مصدق حکم خدا را در موارد خاص به عهده خود مقلدین می‌گذارد. مثلاً اگر مرجعی فتوا دهد که نوشیدن شراب حرام است، این بر عهده مقلدان است که تشخیص دهند مابقی که درون جام است شراب است یا آب. مقلدان باید از مرجع تقلید سوال‌های عمومی بپرسند و تعیین و تشخیص مصدق در هر مورد به عهده خودشان است. در عمل اما مقلدان برای مسایل و شرایط خاص هم از مرجع تقلیدشان توصیه می‌طلبند. از این روست که ولایت دینی مرجع از عرصه فقهی به عرصه سیاسی و اجتماعی هم گسترش پیدا کرده است.

فتوای تحریم تنباکو از سوی میرزا محمد حسن شیرازی در سال ۱۸۹۱ نقطه عطفی در این زمینه بود. این فتوا پاسخی بود به ناصرالدین شاه قاجار که حق انحصاری تولید، فروش و صدور تمام محصول تنباکوی ایران را در برابر حق‌الامتیاز سالانه به «شرکت تنباکوی سلطنتی بریتانیا» اعطا کرد. بعدها مراجع شیعه در عراق – که عمدتاً ایرانی بودند – یا با حمایت از نهضت مشروطه یا از طریق مخالفت با آن در امور سیاسی ایران مداخله کردند. از این رو بنیان‌گذاری حوزه علمیه قم در سال ۱۹۲۱ گامی لازم برای ایجاد یک دستگاه قوی روحانیت در داخل ایران به شمار می‌رفت تا نفوذ مراجع مستقر در عراق بر سیاست و جامعه ایرانی کاهش دهد. مرجعیت شیعه اما همچنان یک نهاد فراملی باقی ماند. از نظر دینی فتوای یک مرجع برای مقلدان‌اش در همه جا فارغ از محل زندگی‌شان معتبر است.

از آن‌جا که ولایت مراجع فراملی بود و فتوایی که صادر می‌کردند از نظر دامنه موضوعات محدود نبود، به‌سادگی می‌توانستند در سیاست بخصوص در سیاست کشورهای بی‌سابقه به جز کشور محل سکونت خود دخالت کنند. این مسئله عمیقاً مشکل‌آفرین بود. بنیان‌گذاری حوزه علمیه قم در اوایل قرن بیستم تا حدی این معضل را برای دولت ایران حل کرد، اما نه برای همیشه. ظهور جمهوری اسلامی در ایران و سیاست‌های سرکوب‌گرانه صدام حسین بر ضد شیعیان و نهاد روحانیت آن در عراق بود که به نفوذ سیاسی مراجع عراقی در ایران پایان داد.

جمهوری اسلامی گرچه نتوانست تنش بین روحانیون و دولت مدرن را به طور کامل از میان ببرد، اما تسلط رژیم بر نهاد روحانیت در منطقه بخش زیادی از آزادی روحانیت شیعه برای دخالت در امور سیاسی را از آن‌ها سلب کرد. جمهوری اسلامی روحانیون خود را به ثروتمندترین طایفه این صنف در تاریخ تشیع تبدیل کرد و به آن‌ها مجال داد که به منابع دولتی و غیردولتی که در گذشته از آن محروم بودند دست یابند. جمهوری اسلامی با مشروعیت‌بخشی به نظام بانکی خود این امکان را به مراجع داد که به جای انباشتن پول نقد در خانه از بانک استفاده کنند. رژیم ایران همچنین فرصت‌های استثنایی برای روحانیون فراهم آورد تا در کسب و کار مشغول شوند و اینترنت نیز پنجره‌ای به دنیای جدید برای مراجع باز کرد. این نیروهای پیش‌برنده مدرن عصری جدید از رهبری شیعی را شکل می‌دهند.

ویژگی‌های رهبری جدید

اولین ویژگی دوران جدید رهبری شیعی این است که ولایت دینی از ولایت سیاسی جدا شده است. منظور من از این سخن سکولاریسم و یا جدایی نهادهای دولتی و مذهبی نیست. جدایی در این مورد خاص به معنای آن است که آن دسته از روحانیونی که نقش و منصبی سیاسی دارند لزوماً دیگر مرجع تقلید و یا مجتهد نیستند. حسن نصرالله در لبنان و مقتدا صدر در عراق نمونه‌های روحانیون بلندپروازی هستند که فقه شیعه را در حوزه تا سطح اجتهاد مطالعه نکرده‌اند.

در نتیجه – و این یکی دیگر از ویژگی‌های عصر جدید رهبری شیعی است – اهمیت دیدگاه‌های مراجع در خصوص سیاست نسبت به قبل کاهش یافته است. جدایی یاد شده در قرن بیستم و زمانی آغاز شد که سخنگویان و گروه‌هایی که ایدئولوژی اسلامی را تبلیغ می‌کردند تلاش کردند خود را از دستگاه‌های سنتی روحانیت متمایز کنند. مجتبی میرلوحی که به نام نواب صفوی نیز شناخته می‌شود و نهضت فدائیان اسلام را بنیان نهاد و اولین گروه بنیادگرای اسلامی در ایران پیشا-انقلاب به شمار می‌رود یکی از نمونه‌های گرایش به این تمایز است. فقهای پیکارجوی زیادی در پاکستان و در مناطق شیعه‌نشین دنیای عرب نیز وجود داشته‌اند که ترجیح داده‌اند با توده مردم کار کنند تا با دستگاه روحانیت. آرزوی آن‌ها برای بسیج مردم با آرزوی مراجع متفاوت بود: در حالی که مراجع نماینده طیف محافظه‌کار دینی بودند، انگیزه سازمان‌ها و ایدئولوژی‌های روحانیون پیکارجو اقدامات سیاسی رادیکال بود. از این منظر، خمینی یک استثنای تاریخی به شمار می‌رود.

از دل این تمایز خصلت و ویژگی دیگری بیرون می‌آید و آن رویکرد التقاطی مقلدان به مراجع تقلیدشان است. در گذشته مقلد در تمام زمینه‌هایی که مرجع تقلید نظری در باب آن داشت از او پیروی می‌کرد. علل سیاسی و غیرسیاسی زیادی منجر به آن شد که مقلدان امروزی از نظر مرجع تقلیدشان به شکلی گزینشی پیروی کنند. مثلاً بسیاری از زنان مؤمن از مرجع تقلید خود در بسیاری از مسایل دینی

پیروی می‌کنند اما فتواهایی را که تاییدکننده تبعیض علیه زنان باشد مثل چندهمسری و یا حجاب را نمی‌پذیرند. افزون بر این بسیاری از دینداران بین مسایل دینی شخصی و مسایل عمومی که مرجع لزوماً در آنها تخصصی ندارد تفاوت قائل می‌شوند. مثلاً در لبنان بسیاری از شیعیان از آیت‌الله سیستانی در مسایل مربوط به نماز روزه حج ازدواج و طلاق تقلید می‌کنند اما نه در سیاست. در امور سیاسی و اجتماعی ممکن است به حسن نصرالله خامنه‌ای و یا دیگر رهبران سیاسی گوش فرا دهند. از این رو رابطه بین مرجع تقلید و مقلد دستخوش تغییر شگرفی شده و مقلدان دیگر فقط مؤمنانی منفعل نیستند. مقلدان امروزی بخصوص زنان در شکل‌دهی مجدد رابطه میان جماعت خود و رهبری آن عاملیت بسیار بیشتری دارند.

جنبه دیگر دوره جدید رهبری شیعی این است که منابع مالی یک مرجع دیگر محدود به وجوهات دینی نیست. در گذشته مراجع درآمد موقوفات و وجوهات شرعی را جمع‌آوری می‌کردند و در خانه‌های خود یا نمایندگان خود نگهداری می‌کردند. این پول سپس بین روحانیون تقسیم می‌شد و یا صرف ساختن و اداره مدارس مذهبی مساجد و فعالیت‌های خیریه و امثال آن می‌شد. امروزه مراجع از کمک‌های دولتی بهره‌مند می‌شوند و از امتیازات اقتصادی ویژه‌ای برای کسب و کار سرمایه‌گذاری و واردات و صادرات برخوردارند. در گذشته محبوبیت یک مرجع و شمار پیروان او بر توانایی مالی او استوار بود. امروزه دیگر چنین نیست. به عنوان مثال خامنه‌ای ثروتمندترین مرجع در جهان تشیع است اما این نه به خاطر توانایی‌اش در جذب مقلد بلکه به دلیل دسترسی او به منابع دولتی است. اگر سید محمود هاشمی شاهرودی رییس سابق قوه قضائیه ایران ادعای مرجعیت دارد و دفتری در نجف باز می‌کند به دلیل توانایی او در ایجاد شبکه‌ای بزرگ از پیروان خود نیست بلکه به خاطر فرصت‌های بزرگ کسب و کاری است که از سوی دولت ایران دریافت کرده است. این تغییر اساسی هرچند باعث استقلال هرچه بیشتر مراجع از مقلدان آن‌ها می‌شود اما همزمان آن‌ها را به چارچوب‌های اقتصادی تعیین شده از سوی دولت‌ها وابسته می‌کند.

با این وصف مراجع انحصار خود بر نهادهای دینی را از دست داده‌اند. دولت ایران نه تنها دستگاه روحانیت و دیگر نهادهای دینی در ایران (و تا حدی عراق) را تحت سلطه خود دارد بلکه نهادهای دینی بسیاری در آینده وجود خواهد داشت که مراجع بر آن‌ها هیچ‌گونه تسلط و یا نظارتی نخواهند داشت. روحانیون غیرمجتهد اما بانفوذ نهادهای دولتی توده اسلام‌گرای تندرو و دیگر افراد قادر خواهند بود که نهادهای دینی را بدون اتکا به مراجع اداره کنند و زمینه ظهور ده‌ها شکل ولایت موازی با ولایت مراجع را ایجاد کنند.

مراجع هم‌چنان نمایندگان اسلام محافظه‌کار باقی خواهند ماند ولی به دلیل ماهیت دایما متغیر سیاست‌های اجتماعی جامعه شیعه اشکال دینداری همواره در حال تحول است. وقتی جذابیت گفتمان دینی مراجع برای طبقه متوسط و بالا و نیز زنان تحصیل‌کرده و جوانان کاهش یابد این گروه‌ها دینداری خاص خود را بخواهند ساخت. در نتیجه گفتمان اصلاحات که روشنفکران دینی ارائه کرده‌اند و بر معنویت و اخلاق بیش از فقه و الهیات تأکید دارد جذابیت بیشتری خواهد یافت. اما مراجع کماکان سرمشقی برای میلیون‌ها شیعه معتقد به نسخه اصلاح‌ناشده فقه شیعه باقی خواهند ماند. همانطور که در یهودیت و مسیحیت فرقه ارتدوکس و کاتولیک از قرن‌ها پیش در کنار چندین شکل دیگر از این دو دین باقی مانده‌اند اسلام محافظه‌کار نیز که در روحانیت سنتی تبلور یافته در کنار دیگر اشکال رهبری شیعی باقی خواهد ماند.

در عصر جدید مراجع باید بیشتر در چارچوب ملت-دولت عمل کنند. اگر سیستانی نسبت به سیاست‌های ایران و یا بحرین واکنش نشان نمی‌دهد به دلیل آن است که توانایی مراجع در اثرگذاری بر دولت‌ها و مردمان دیگر به طور چشمگیری کاهش یافته است. مراجع ترجیح می‌دهند سکوت پیشه کنند و گرنه نفوذ آن‌ها به سیاست‌های محلی محدود می‌شود. طرفه آن است که با وجود فرایند جهانی شدن و این‌که اینترنت به مراجع امکان تبلیغ مرجعیت خود را در سطح جهانی داده و جذب مقلد و وجوهات دینی را صرف‌نظر از محل سکونت اهل تشیع ممکن ساخته نهاد مرجعیت محلی‌تر می‌شود. ابزارهای ارتباطات جهانی به فقیهان بیشتری اجازه می‌دهد که ادعای مرجعیت کنند و تکرر مرجعیت و ماهیت رقابتی آن به شکلی بی‌سابقه ظهور خواهد کرد. عصر مرجعیت جهانی که ولایت و رهبری دینی تشیع را در انحصار خود داشته باشد به پایان رسیده است. مرجعیت دیگر از طریق انتقال از استاد به شاگرد بقا نخواهد یافت. پس از مرگ هر مرجع تقلید دفتر او تا مدتی موقوفات و دیگر امور او را اداره می‌کند اما دارایی‌های او به مرجع جدیدی منتقل نمی‌شود. بنابراین هر مرجع باید بنای مرجعیت خود را از صفر آغاز کند. همین امر به افراد بیشتری امکان آن را می‌دهد که در مسیر مرجعیت گام بردارند. بی‌آن‌که شاگرد مرجع قبلی باشند.

در چند دهه آینده تنش‌ها میان شیعیان و سنی‌ها به عنصری مهم در شکل‌دهی مجدد سیاست خاورمیانه تبدیل خواهد شد. شیعیان در مناطق شرقی عربستان در بحرین کویت لبنان عراق سوریه پاکستان و ترکیه نقشی بارزتر در امور سیاسی کشور خود ایفا خواهند کرد. این تغییرات همزمان با تمرکززدایی از رهبری شیعی و کاهش چشمگیر نقش مراجعی صورت می‌گیرد که عمدتاً نماینده توده محافظه‌کار شیعه هستند و بیشتر بر اعتقادات دینی شیعیان اثر می‌گذارند تا بر رفتار سیاسی و اجتماعی آن‌ها. در آینده مقامات دینی غیرمرجع نیز نقش بزرگتری ایفا خواهند کرد. مطالعه این روند جالب خواهد بود که ببینیم در آینده این مراکز اقتدار و رهبری – مثلاً دولت ایران (و دیگر بازیگران) چهره‌های روحانی که فاقد صلاحیت دینی بالا هستند عوام اسلام‌گرا و روشنفکران دینی اصلاح‌طلب – به چه

RECOMMENDED



BRIEF ANALYSIS

Bennett's Bahrain Visit Further Invigorates Israel-Gulf Diplomacy

فوریه ۲۰۲۲ ۱۴

◆
Simon Henderson

(/policy-analysis/bennetts-bahrain-visit-further-invigorates-israel-gulf-diplomacy)



BRIEF ANALYSIS

Libya's Renewed Legitimacy Crisis

فوریه ۲۰۲۲ ۱۴

◆
Ben Fishman

(/policy-analysis/libyas-renewed-legitimacy-crisis)



BRIEF ANALYSIS

The UAE Formally Ceases to be a Tax-Free Haven

فوریه ۲۰۲۲ ۱۴

◆
Sana Quadri ,
Hamdullah Baycar

(/policy-analysis/uae-formally-ceases-be-tax-free-haven)

TOPICS

[\(fa/policy-analysis/rb-w-aslam-syasy/\)](#) عرب و اسلام سیاسی

REGIONS & COUNTRIES

[\(fa/policy-analysis/raq/\)](#) عراق

[\(fa/policy-analysis/ayran/\)](#) ایران